



نوشته از ع. بصیر دهراد

## جنايات عليه بشریت در افغانستان ، در چنبره موانع

### تحقیق و بررسی و تطبیق عدالت حقوقی

افغانستان در بیش از چهل سال اخیر به سرزمین وحشت، خون، آتش و جنگ و ارتکاب جنایات شدید ضد بشریت، جنایات جنگی و جنایات ضد حقوق بشری و تحریک و تشویق تبعیض و مخاصمت های قومی، زبانی و مذهبی مبدل گردیده است که در دوره های مختلف تا امروز این جنایات تداوم یافته است و از مردم مظلوم ما قربانی گرفته است. ولی در بیست سال اخیر، این جنایات با موجودیت قوای ناتو و قوی شدن تروریسم طالبی، داعشی و حمایت سازمانهای استخباراتی دولت پاکستان شدت بی پیشینه بخود گرفته است.

در این مقاله نویسنده یک سیر و بررسی تاریخی و حقوقی موضوع را در دوره های مختلف به بحث گرفته و تلاش خواهد نمود تا با تداعی حافظه مثال های از ارتکاب شدید ترین جرایم علیه بشریت را از دوره های مختلف در جهان و افغانستان در این خاکه ارائه نماید.

انگیزه این مقاله در سه نکته نهفته است:

تحرك جدید و وعده محکمه عدالت بین المللی ( آی سی سی ) که مقر آن در شهر لاهه کشور شاهی هالند قرار دارد، میباشد که آخرین اولین قدم را برای آغاز یک پروسه عدلی و قضائی بین المللی پیرامون جرایم جنگی، جنایات علیه بشریت و جرایم مبنی بر نقض صریح حقوق بشر بگذارد و آغاز به تحقیق و جمعآوری اسناد الزام برای این پروسه نماید. این یک قدم قابل دقت و پیشتیبانی است، ولی باید با کنجکاوی قضیه را تعقیب نمود و تحت نظر داشت که تا چه حد میتواند این پروسه عدالتمندانه و غیر جانبدارانه باشد.

مهمترین مسأله در این پروسه مکلفیت حقوقی دولت های است که کنوانسیون سال ۱۹۹۸ محکمه عدالت بین المللی را پذیرفته باشند. اکنون قابل تذکر است که دولت افغانستان در سال ۲۰۰۳ م. این کنوانسیون را امضاً بدان ملحق گردیده است.

علاوتن جرایم شدید جنگی و وحشیانه ترین شکل آن در سالهای اخیر در شهر کابل و شهرها و مناطق مختلفه ولایات افغانستان از جانب طالبان، داعش و از جانب حلقات مخفی که از جانب این سازمانهای جهنمی در درون دستگاه دولت نفوذ نموده اند، واقع گردیده اند. واقعات دلخراش پی در پی در غرب کابل و حادثه جگر خراش پل علم لوگر و دههای دیگر اند که همه قلب های صاحب وجدان انسانی را پر خون، در درد غم ساخته است.

انجمن حقوقدانان افغان در اروپا پیرامون این موضوع سندی مهمی را به نشر سپرده است و به اورگانهای بین المللی مربوطه ارسال نموده است.

در این مقاله کوشش میگردد تا روی موضوعات زیر تعمق و تمرکز صورت گیرد:

۱. توضیحی بر مفهوم جرایم علیه بشریت در بعد تاریخی و حقوق بین المللی.
۲. تعمقی بر جرایم علیه بشریت، جرایم جنگی و جرایم نقض حقوق بشری در افغانستان بین سالهای ۱۹۷۸ م. الی ۲۰۰۱ م.
۳. جرایم جنگی در افغانستان از ۲۰۰ تا امروز، از تروریزم طالبانی تا نقش بیگانگان در ارتکاب و سازماندهی و همکاری این جرایم.
۴. اهمیت تحرکات اولی محکمه عدالت بین المللی پیرامون جنایات شدید جنگی و ضد انسان و انسانیت.
۵. نقش و مکلفیت دولت و اورگانهای حراثت حقوق افغانستان در همکاری با محکمه عدالت بین المللی.

#### ۱ - توضیحی بر مفهوم جرایم علیه بشریت در بعد تاریخی و حقوق بین المللی.

جرایم جنگی، جرایم ضد انسان و انسانیت و ضد حقوق بشری بی التیام ترین زخم های خونین را در قلب های آسیب دیده گان هموطن ما ایجاد نموده است که التیام و یا تسکین به این درد ها فقط و فقط در یک بررسی عدالتمندانه و فارغ از هرگونه فشار و نفوذ زورداران و عاملین اصلی این جرایم در سطح داخلی و کشورهای که مستقیم و یا غیر مستقیم در این جرایم دست دارند و دست داشته اند، ممکن است.

اگر یک تعریف و یا بیان از مفهوم جرایم شدید علیه بشریت، جرایم جنگی و جرایم ضد بشری ارانه نمائیم، محتوای تعریف در یک عمل ضد انسان و انسانیت است که وجدان سالم بشری از آن شوکه میگردد. یعنی که این عمل علیه بشریت در وجدان انسانی نمیگنجد. عامل و مرتکب این جرایم را باید فاقد وجدان انسانی تعریف نمود.

جرایم علیه بشریت عبارت از ارتکاب شدید ترین جرایم اند که هدفمند، از قبل تنظیم شده، بر بنیاد عمل قصد و عمد در برابر انسان (چه فردی و چه کتلی) میباشد که در کنوانسیون های بین المللی تعریف و پیشبینی گردیده اند.، میباشد. بدین معنی که مرتکب این جرم از نتایج وخیم و قربانی شدن انسان (ها) با شدیدترین شیوه انسان کشی، ایجاد شرایط از بین بردن تدریجی انسان و یا ایجاد فشار های شدید روانی و جسمانی در برابر یک کتله از مردم، در آگاهی قبلی میباشد. این جرایم نظر به اینکه در کنوانسیون های بین المللی پیشبینی شده اند، میتواند تحت صلاحیت حقوقی بین المللی مورد تحقیق، بررسی و در یک پروسه عدالتمندانه حقوق جزائی قرار گیرد.

در جرایم شدید جنگی علیه انسان ، علیه مردمان ملکی و یا در برابر اسیران جنگی برخورد و عمل خلاف وجدان انسانی صورت میگیرد و یا بمباردمان های که قربانی های هدفمند را به وجود آورد.

جرایم نقض حقوق بشر موضوع تبعیض نژادی، زبانی قومی اتنیکی ، مذهبی و عقیده تی سیاسی و سلب آزادی بیان عقیده و احساس انسانی، تهدید و تخویف، زندانی شدن بدون پروسه عدلی وپ قضائی و دهها مسائی دیگری که در کنوانسیون ۱۹۴۸ ملل متحد تسجیل یافته اند، را در بر میگیرد که انسان با عمل هدفمند و پلاشده از حقوق انسانی محروم میگردند. مثلن تبعیض در برابر گروه های اتنیکی به هدف حاکمیت کلی یک گروه اتنیکی دیگر، طرح پلان های زیرکانه و طولیل المدت و یا با سیاست تبعیضی که در نهایت به استبداد و خودکامگی کشانیده میشود. بطور مثال چال، فریب و اتحاد سیاست زیرکانه که مانع انکشاف زبان، کلتور و سایر داشته های فرهنگی اقوامدیگر گردد. حتی در بعض کشورها در نامگزاری نواحی، سرک ها و، محلات و مراکز علمی و تاریخی این سیات عملی میشود. متأسفامه حتی مراکز علمی و اکادمیک در تطبیق این پالیسی های ضد حقوق بشری خویش را گنهار ساخته زمینه ساز تطبیق سیاست های تبعیضی میگردند. در حالیه در یک کشور کثیر القومی و با توجه به همه داشته های کلتور و فرهنگ ملی ، در هر یکی از اقوام بخشی از گذشته پر غنای تاریخی ، کلتوری و فرهنگی مربوط میشود که حق تاریخی و تبلور آن در تمام عرصه های رشد کلتور و فرهنگ امروزی قابل تعمق و پاسداری اند.

ما اگر یک دید کوتاه تاریخی به مفهوم و کاربرد اصطلاح جرایم بشری بین المللی بیاندازیم، اصطلاح جرایم بین المللی برای اولین بار توسط مارکوس تولیوس سیسرون ۱۰۶ ق . م شاعرو فیلسوف در زمان امپراطوری روم قدیم بکار برده شد.

بعد از سقوط امپراطوری روم و استحکام قدرت کلیسای کاتولیک رول و نقش پاپ اعظم، اسقف ها و راهبان کلیسا ها تا اندازه در جوامع مذهبی مسلط گردید که نو اندیشی در برابر استبداد کلیسای کاتولیک در حال شکل گیری بود زیرا جرایم شدید در برابر انسان ، از زنده سوختاندن، پوست کرد انسان های زنده و کشتن بدون کدام دلیل توسط ملا های کلیسائی یک امر عادی بود. قرون پنجم تا قرون شانزده و هفده میلادی سیاه ترین دوره وحشت جنایات بشری در تاریخ اروپا قبل از جنگ های اول و دوم جهانی میباشد که نام قرون اسطائی آز آن دوره به یادگار مانده است . دوره وحشت کلیسای کاتولیک در سلب آزادی عقیده، تفتیش عقاید، « به بیان دقیق تر عبارت بود از هیئات های داوری کلیسای کاتولیک که می کوشید از طریق آن ها به یکپارچگی دینی مورد نظر خود نائل شوند . این کار توسط دستگاه کلیسا انجام می شد و بسیاری متهمان در دادگاه های تفتیش عقاید متهم به کفر ، الحاد، ارتداد، شرک و جادوگری می شدند. این افراد ابتدا برای اعتراف گیری شکنجه می شدند. در صورت عدم اعتراف سرنوشت معلومی برای آن ها متصور نبود، اگرچه اکثر مردم تاب شکنجه ها را نداشتند و اعتراف به اعمال کرده و ناکرده خود می کردند. سپس دستگاه تفتیش عقاید آن ها را محکوم به مجازات های گوناگون و در بسیاری از مواقع به صورت های غیر انسانی اعدام مینمودند» ۱. برگرفته از صفحات معلوماتی انترنت.

این عین وحشت گروه های تندرو تنظیمی و طالبان و داعش است که در افغانستان واقع گردیده اند که در بخش بعدی بیشتر بدان تعمق خواهم نمود.

جنایات علیه بشریت شامل جنایات علیه انسان و انسانیت، نقض حقوق بشری و جنایات جنگی است که در کنوانسیون های چهار گانه زنیو ۱۸۶۴ و ۱۹۰۶، ۱۹۲۹ و ۱۹۴۹ ، بعد از جنگ دوم جهانی تعریف گردیده اند

در تاریخ بشری اولین دادگاه های بررسی جنایات جنگی و ضد بشریت در محمکه نورنبرگ و توکیو که پس از جنگ جهانی دوم برای پیگرد قانونی رهبران متهم به جنایات جدی تشکیل شد که برخی از جنایات تحت قوانین بین المللی جرم شناخته شدند و پایه و اساس آنچه که در حال حاضر از آن به عنوان قانون عدالت بین المللی یاد می کنیم ، گذاشته شد.

محاكم اختصاصی جرایم جنگی تریبونال یوگو سلاویا، رواندا ، رژیم پول پوت در کموچیا سالهای هشتاد و بررسی جنایات در کشور میانمار در سال ۲۰۲۰ م. نیز صورت گرفته است.

ادامه دارد